

## شروط تحقق غنا

برای اینکه این معنا قابل تمییز باشد و بتوانیم در موارد مشکوک آن را جدا کنیم، بعضی از قیود سلبی را بیان می کنیم و این قیود را از غنا سلب می کنیم. ( مکاسب محرمة، ج ۲۸۳، ص ۴ )

### ۱. صوت نیکو

آوازخوانی و صدق معنای غناء، مقوم به صدای خوب نیست. بعضی از آوازخوان ها صدایشان خوب است، بعضی صدایشان متوسط و بعضی صدایشان بد است. آواز خوانی بر همه اینها صدق می کند، ولو صدا بد باشد. ( مکاسب محرمة، ج ۲۸۳، ص ۵ )

### ۲. انطباق با دستگاه های موسیقی

انطباق با دستگاه های موسیقی، ملاک و مناط صدق و عدم صدق آوازخوانی نیست. به خاطر اینکه هر صوتی که از حنجره انسان خارج می شود، ولو غناء هم نباشد، با یکی از مقامات موسیقی همراه است؛ یعنی هر صدایی که مدّ و ترجیعی دارد ( غنای به معنای اول ) حتماً داخل در یکی از دستگاه های موسیقی است. مثلاً اذان استاد مؤذن زاده بر اساس یکی از مقام های دستگاه موسیقی است. پس ملاک، انطباق با دستگاه های موسیقی نیست. ( مکاسب محرمة، ج ۲۸۰، ص ۱۰ )

### ۳. اطراب به معنای طرب انگیز بودن

مقوم معنای غناء طرب انگیز بودن نیست. ( مکاسب محرمة، ج ۲۸۱، ص ۴ )

### ۴. متناسب با مجالس اهل لهو و فسوق

آواز خوانی در مجالس لهو و فسوق با آوازخوانی در غیر مجالس لهو و فسوق تفاوتی ندارد. ممکن است شخصی غزلی از حافظ بخواند و شنوندگان به عالم معنا توجه کنند و ممکن است همین شخص در مجلس دیگری همین آواز و همین غزل را بخواند و دیگران کف بزنند و برقصدند. بنابراین مقوم معنای غناء این نیست که مخصوص مجالس لهو و فسوق یا متناسب با مجالس لهو باشد. ( مکاسب محرمة، ج ۲۸۳، ص ۴ )

### ۵. نظم موسیقایی داشتن

هر صدایی که از حنجره انسان خارج بشود- که همان معنای لغوی غنا بر آن صدق کند و مدّ و ترجیع داشته باشد- خارج از یکی از اشکال موسیقایی نیست؛ لکن نظم موسیقایی چیز دیگری است. نظم موسیقایی این است که کسی آهنگی را طبق دستگاه و مقامی شروع کند و به روال صحیح آن تا آخر آواز پیش ببرد؛ این را می گویند نظم موسیقایی که اگر خلاف این رفتار کند، اهل موسیقی آن را زشت می شمردند. البته این مطلب در عرف های مختلف، متفاوت است: در موسیقی ایرانی به یک صورت، و در موسیقی عربی به گونه دیگر است؛ هرچند مقامات در همه دنیا یکسان است، آوازه ها از این مقامات گوناگون خارج نیست. اما نظم موسیقایی در جاهای مختلف، متفاوت است. پس نظم موسیقایی غیر از این است که این آهنگ و آواز بر بخشی از این دستگاه های موسیقی تطبیق کند.

غنا متقوّم به این نیست که حتماً نظم موسیقایی داشته باشد. ممکن است کسی دو گونه آواز بخواند: یکی آوازی که گفته می شود بر طبق ضابطه و نظم و میزان خوانده و دیگری آوازی که می گویند خارج خوانده است ؛ یعنی از آن نظم موسیقایی خارج شده است. بنابراین نظم موسیقایی هم جزو مقوّمات حدّ غنا نیست. ( مکاسب محرّمه، ج ۲۸۳، ص ۵)

#### ۶. تقارن آواز با آلات موسیقی

شرط صدق غنا این نیست که حتماً با ساز همراه باشد ؛ همچنان که این آلات موسیقایی غالباً - نه همیشه - بدون چنین آوازی نواخته نمی شود. بیشتر کسانی که آلات موسیقی را به کار می برند، آنها را با آواز به کار می برند. البته گاهی هم از آنها بدون آواز استفاده می شود. ( مکاسب محرّمه، ج ۲۸۲، ص ۷)

#### ۷. مقارن بودن با کلام

صدق غنا متوقف بر داشتن کلام نیست. غناء می تواند با کلام باشد و می تواند بدون کلام باشد ؛ یعنی همین شخصی که آواز می خواند، گاهی طبق این آواز شعری را می خواند و گاهی هم فقط زمزمه می کند، بدون اینکه کلامی با آن همراه باشد. ( مکاسب محرّمه، ج ۲۸۳، ص ۷)

#### ۸. باطل بودن کلام

باطل بودن کلام هم دخالتی در مفهوم غنا ندارد. ممکن است غنا، کلام حق باشد، یا باطل. در هر دو صورت آوازخوانی و غنا صدق می کند. بنابراین اگر کسی با همین دستگاه ها و شیوه خاصی که به آن آواز خوانی می گوییم، شعر خوب، حدیث یا نوحه ای بخواند، این غناست و اگر هم شعر باطل و شهوت انگیز بخواند، آن هم غناست. ( مکاسب محرّمه، ج ۲۸۳، ص ۷)

همه این امور، اخصّ از مفهوم غناست و مفهوم غنا متقوّم به اینها نیست. بنابراین مراد از غنا در استعمالات، همین چیزی است که ما در فارسی از کلمه آوازخوانی یا آوازه خوانی، با این خصوصیات که ذکر شد، می فهمیم. ( مکاسب محرّمه، ج ۲۸۳، ص ۷)